اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هفتاد و هشتم)

آخر الزمان (قسمت شانزدهم)

دفع کردن دیوها (بخش دوازدهم)

شرایط گلخانه ای (قسمت چهارم)

فرمانهای خدای مهربان و مقدس در عین سادگی بسیار مهم هستند. خدا ما را آفریده است و او بهتر از هر کسی می داند که نقطه ضعف ما برای شیطان چیست. به همین دلیل نصایح خدا بهترین راه حل مشکلات است. ما باید به فرمانهای آن قادر متعال اعتماد کنیم، حتی اگر دلیلی برای آنها نداریم. یکی به شما می گوید که به جعبه برق دست نزنید؛ این نکته در عین سادگی بسیار مهم است. زیرا یک بار اشتباه ، عواقب بسیار بدی دارد. کافیست یکبار گناهی را انجام دهید، شیطان نقطه نفوذ و ورود به سیستم ذهنی شما را متوجه شده است و دفعه دیگر خیلی راحت شما را پیدا و کنترل میکند. این نکته مهمترین خطر و ضرر انجام گناهان است. مدیتیشن و بازکردن

چاکراها هم همین کار را روی انسان انجام میدهند. مدیتیشن مثل انجام گناه، نقطه نفوذ و ورود شما را برای دنیای پنهان اجنه اعلام میکند. کسانی که مدیتیشن انجام میدهند و چاکرهای خود را باز میکنند، مثل این است که یک آنتن با خود حمل میکنند و همیشه برای دنیای اجنه در دسترس خواهند بود. حسهایی هم که در مدیتیشن دریافت میکنند، و افراد خیال میکنند که به آنها الهام شده است و لذت می برند؛ در واقع الهامی است از طرف دنیای پنهانی اجنه و شیاطین. این قسمت از مجموعه مقالات جادوی شیاطین راجع به ضررات مدیتیشن و بازکردن چاکراهاست. باز کردن چاکرا و انجام مدیتیشن همان جعبه برقی است که یکبار دست زدن و باز کردن آن، به قیمت گرانی برای افراد تمام میشود. در ادامه ثابت میشود که مدیتیشن هیچ ربطی به معنویت واقعی ندارد و فقط دروازه ای است به دنیای اجنه و شیاطین. نماز بر خلاف مدیتیشن است. بعضی افراد ، به اشتباه یوگا و مدیتیشن را با نماز مقایسه میکنند. آنها نمی دانند که نماز دقیقا باطل کننده مدیتیشن است و این دو ضد همند. هر چیزی که خدا برای ما قرار میدهد، شیطان هم مشابهش (البته در واقع ضدش) را قرار داده است. خدا نماز را قرار داد و شیطان مدیتیشن را. خدا روزه را بر ما نوشت و شیطان هم مرتاضی را به مردم الهام کرد.

ابتدا بدانیم که چاکرا ها نقاطی از بدن انسان، مرتبط با فرایند عصبی بدن می باشند. ولی چرا در عرفان شرقی اصرار بر این است که مدیتیشن کنند و مسیر چاکراها را باز کنند؟ آیا خدای مقدس بدن ما و طبیعت را کامل خلق نکرده است؟ چرا ما سعی

کنیم که طبیعت را به حالت مثلا درست! در بیاوریم! و در کار خدا دخالت کنیم. آیا بهتر نیست ما به جای آن، سعی نماییم ویژگی های بد و رذایل اخلاقی خود را اصلاح نماییم. آیا با دستکاری چاکراها ما کنترل خود را نسبت به محیط از دست نمی دهیم و بزرگترین موهبتی که خدا به ما داده است و آنهم اراده و عزم می باشد را از دست خود خارج نمی کنیم؟ عرفانهای نو ظهور می گویند که از طریق یوگا و مدیتیشن ما میتوانیم با نیرو های شعورمند که در طبیعت وجود دارند ارتباط برقرار کنیم و به این وسیله کارهای خارق العاده انجام بدهیم و به نیرویی بالاتر وصل بشویم و به وحدت و یگانگی با انرژی کیهانی برسیم. وحدت و یگانگی که بعضی از شعرا و فیلسوفان هم به آن اشاره کرده اند و می گویند که کسی که به این وحدت و یگانگی برسد در این دنیا به بالاترین درجه و لذت می رسد که حالتی ناب است!

آنها قطعا آگاه نیستند که نیروهای شعورمند، همان اجنه و شیاطین هستند که انسانها با باز کردن دستی چاکراها و انجام مدیتیشن، خود را در معرض نفوذ و حملات آنان قرار میدهند. چاکراها در تمام حیوانات نیز وجود دارد و مختص به انسان نیست و لزومی ندارد که ما آن ها را تنظیم کنیم. حیوانات هیچ گونه اطلاعی از این چاکراها ندارند ولی بدنشان هم درست کار میکند. گاهی افراد با تمرینات بخصوصی که از عرفانهای شرقی اخذ میکنند، سعی دارند که فرکانس و دمای مغز خویش را کاهش دهند و خود را وارد حالات آلفا و تتا کنند. اگر از آنها بپرسید که چرا اینکار را میکنید، میگویند که برای اینکه مثلا چشم سوم خود را باز کنیم. وقتی بپرسید که باز شدن

چشم سوم به چه دردی میخورد، در جواب میگویند که برای اینکه بدانیم در نیات و باطن افراد چی میگذرد و چشم برزخی پیدا کنیم!

سوالی که پیش میاید این است که برای چی باید در باطن افراد کنجاوی کنیم و چرا ما باید اصلا بدانیم که دیگران چی در سر دارند؟ آیا دستور واضح خدا در قرآن این نیست که در زندگی دیگران کنجکاوی و فضولی نکنید و خود را دچار شک و گمان و پندار بد نکنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از خدا بترسید که خدا توبه پذیر مهربان است (١٢)

بشر تا کنون که طبیعت را نابود کرده است و بزودی وارد فاز گلخانه ای میشود و هم اکنون تلاش دارد تا حتی در مورد روابط روحی روانی و عرفانی هم، به شرایط گلخانه ای رو آورد و سعی میکند که بطور مصنوعی روان خویش را تنظیم کند و در نظام رحمانی دخالت میکند. پندار نیک از اصول اولیه دین خداست. وقتی افراد چشم سوم

پیدا کنند و باطن افراد را ببینند، دیگر پندار نیک نسبت به افراد از بین میرود و جامعه ای نا ایمن و غیر لذت بخش بوجود می آید. البته کسانی که چاکراها را بوسیله مدیتیشن باز میکنند و مدعی میشوند که نیات افراد را درک میکنند؛ این فقط یک ادعاست و در ادامه ثابت میشود که آنان میخواهند مثل اجنه زندگی کنند و به همین خاطر از عینک اجنه و شیاطین ، آدمیان را نگاه میکنند. اجنه و شیاطین هم در گمراه کردن انسانها از هیچ روشی کوتاهی نمی کنند و تا حد ممکن و غیر ممکن دروغ می بافند. یکی که به مدیتیشن و باز کردن چاکراها علاقمند بود، تعریف میکرد که یکبار داخل اتوبوس مدیتیشن کرده و سعی کرده است که نفر پشت سری خود را ببیند بدون آن که برگردد! واقعا این کارهای مسخره چه فایده ای دارند؟! در حالی که این کار برای یک انسان معمولی خیلی ساده است و نیازی به مدیتیشن ندارد. این افراد میخواهند که دنیا و روابط آن را مثل یک جن ببینند.

قبل از ادامه بحث بدانیم که ما انسانها پندار نیک همدیگر را متوجه نمی شویم، زیرا ما از باطن هم دیگر بی خبریم. اما همدم و همزاد جنی ما از پندار نیک و یا بد ما خبر دارد. در صورتی که پندار ما نیک نباشد، همدم شیطانی ما بصورت دیو (شیطان جسمانی یا شیطان مغناطیسی) در محیط و وجود انسان نفوذ میکند. ما با پندار نیک خود، در دنیای پنهانی (محل زندگی اجنه و شیاطین) صحنه های خیر ایجاد می کنیم و شیاطین را از دخالت در زندگی انسانها و شورش و تکبر علیه خدای رحمان باز می داریم. انسانها باید با پندارهای نیک و دوری از پندارهای بد؛ مرز معنوی خود را با

شیاطین و اجنه مشخص کنند و همچنین با انجام کردار و گفتار نیک، مرز معنوی خویش را با انسانهای دیگر مشخص کنند. اخذ پندار نیک و انجام کردار و گفتار نیک در سرنوشت خود ما و حتی در سرنوشت جامعه ما هم موثر است. مدیتیشن این مرز را از بین می برد.

کسانی که دنبال باز کردن چاکراها هستند و میخواهند نیروهای ماورائی پیدا کنند، در واقع میخواهند توانایی ها و نیروهایی مثل اجنه پیدا کنند. آنان ناخواسته مثل یک جن رفتار میکنند در لباس بنی آدم. بدون آن که خود پی برند، دنبال اهدافی هستند که اجنه میتوانند انجامش دهند. خدا بنی آدم را انسان آفریده است و جنیان را جن و پوشیده آفریده است. انسان و جن ، دو قشر متفاوت با دنیاهای متفاوت هستند و بنابراین تلاش برای انتقال به دنیای یکدیگر بی فایده و بسیار مضر است. هر بار که اجنه و شیاطین تلاش کردند که بصورت دیو به دنیای ما انسانها نفوذ کنند، زمین از نظر امکانات هبوط پیدا کرد و انسانها به دردسر افتادند. خدای مهربان حتی در بهشت، دو جنت متفاوت برای انسانها و جنها آفریده است، همانطور که در سوره الرحمن می فرماید:

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ﴿۴۶﴾

دو باغ برای کسانی که شکوه و جلال پروردگارشان را حرمت می نهند (یکی برای جنیان و دیگری برای آدمیان)(۴۶)

این به آن معناست که اساسا بنیاد زندگی میان انسانها و جنها متفاوت است و حتی در بهشت هم، در دو جنت مختلف خواهند بود. براساس برداشت از آیات قرآنی، در جهنم انسانها و جنها با همدیگر خواهند بود. بنابراین سرک کشیدن به دنیای اجنه خطرناک و سیستم عصبی انسان را به هم میریزد و یک کردار جهنمی است.

کسی که شنا نمی داند، نباید خودش را وارد دریا کند، زیرا غرق شدنش قطعی است. کسی که میخواهد چشم سوم پیدا کند و باطن و نیات و پندار افراد را بخواند و به قول خودش نیروهای ماورائی! پیدا کند، در واقع میخواهد یک جن شود. اما از آنجا که اطلاعی از دنیای کاملا متفاوت و مبهم جنیان ندارد، در آنجا غرق شده و گرفتار میشود.

دنیای اجنه و شیاطین با دنیای انسانها متفاوت است و هیچکدام نمی توانند در دنیای هم بسر برند. یکی از بیرون که هوایش سرد بود، وارد خانه شد و چون سردش بود، فورا رفت سراغ بخاری و شعله بخاری را خیلی زیاد کرد و گفت سردم است. اما سایر اهالی خانه گرمشان شد و هوا از حالت تعادل خارج شد و اذیت شدند و مجبور شدند در را باز کنند تا کمی خنکتر شود. در حالی که اگر آن فرد کمی صبر میکرد ، بعد از چد دقیقه گرمش میشد و نیازی به زیاد کردن شعله بخاری هم نبود. این یک حس کاذب است که افراط و تفریط در آن نهفته است. کسانی که چاکراها را باز میکنند،

در تله شیاطین می افتند. حسی که مدیتیشن به افراد میدهد، یک نوع حس کاذب است.

یک ماهیگیر در دریا تور انداخت، ماهی وارد تور شد ولی ماهی اصلا فکر نمیکرد وارد تور شده باشد، زیرا ظاهرا همه چیز آب بود و عادی بود. در حالی که ماهی در تور افتاده بود. چاکرا باز کردن هم دقیقا اینطوری است. چاکرا باز کردن انسانها، تور شیاطین است برای به دام انداختن انسانها. کسانی که چاکراها را باز میکنند، از آنجا که چاکرا به سیستم اعصاب متصل است و در راستای سیستم عصبی است، افراد سیستم عصبی خود را دست موجوداتی بیگانه می سپارند و به همین خاطر بعد از مدتی دچار شک و اضطراب و استرس میشوند و با کوچکترین موردی، شک و گمان بد به ذهنشان راه می یابد و پیش بینی و پیش گوئی های عجیبی انجام میدهند و افراد محیط خویش را قضاوت میکنند و زندگی در میان انسانها برایشان مشکل میشود و دوباره مجبورند به میان جنها بر گردند و دوباره چاکرا بازی کنند. چاکرا باز کردن مثل این است که یک مار سمی را بداخل خانه راه دهید. قطعا روزی بالاخره شما را خواهدگزید.

حتی یکی بود که میخواست مراسم خواستگاری برود، قبل از رفتن، برای افزایش اعتماد به نفس، گفت میخواهد نیم ساعت مدیتیشن انجام دهد تا چاکراهایش را تنظیم کند و آمادگی رفتن پیدا کند! واقعا آیا خالق ما ، انسان را مستقل نیافریده است؛ حتی برای خواستگاری رفتن هم باید از دنیای پوشیده و پنهان اجنه باید اجازه

بگیرند و از آن جا نیرو گیرند؟ مدیتیشن و باز کردن چاکراها اعتماد به نفس را از آدمیان می گیرد و به جای آن اعتماد به اجنه و دنیای پنهان اجنه جایگزین میشود. اعتماد به نفس کم کم به اعتماد به دنیای پنهان اجنه تبدیل میشود. آنها پناهگاهی برای خود پیدا میکنند. خرافات رنگ عوض کرده است و اکنون خرافاتی همچون مدیتیشن و کسب معنویت از طریق مدیتیشن در جهان رواج یافته است.

یکی بود که هر وقت بچه اش کوچکترین سرما خوردگی پیدا میکرد و یا تب میکرد، فورا انواع داروهای شیمیایی را به او می خوراند. بعد از مدتی کودکش مریض شد و آنقدر سیستم ایمنی بدنش ضعیف شده بود که همیشه بیمار بود. در نهایت نتیجه نهایی را گرفت و گفت که کودکش را چشم زده اند. این است که مدیتیشن آدمیان را در مورد وقایع زندگی هم به نتایج غلط میرساند. باید بدانیم که مدیتیشن محدود به حرکات یوگا و چاکراها نیست؛ بلکه افراط در زمینه های فیلم نگاه کردن، وبگردی، تفریح، آهنگهای سنتی و جدید و حتی افراط در خرید هم نوعی مدیتیشن است.

باز کردن چاکراها بر مبنای زندگی انسانها نیست و هدف اصلی آن، دور کردن انسان از واقعیتهاست. اگر چاکرا را باز کنید، دیگر نقطه ورود خود را اعلام کرده اید و حتی اگر روزی نخواهید چاکرا بازی کنید، آنها میایند دنبالت و بعد از مدتی میبینید که ترسها و موجودات مزاحمی پیدا کرده اید و الکی خود را در دردسر بزرگی انداخته اید. تجربیات افرادی که خود را وارد مدیتیشن کرده اند، چنین گفته ای را اثبات میکند. طوری که افراد دو راه دارند، یا باید برگردند سر چاکرا باز کردنها و انجام

مدیتیشن و بیش از پیش در دنیای اجنه غرق شوند و رسما به شهروند جامعه اجنه تبدیل شوند و یا اینکه همیشه در دلهره و اضطراب و کابوس بسر برند. خستگی، سردرد، تنبلی نتایج باز کردن چاکراها ست. مدیتیشن افراد را کم کم از نظام رحمانی خارج میکند و آنان بعد از مدتی با نظام رحمانی بیگانه میشوند و شروع میکنند به دستکاری بدن خویش و مجبور میشوند که اعمال جراحی زیبایی انجام دهند و به این طریق مدیتیشن هزینه های گزافی برای انسانها دارد.

افراد در مدیتیشن ، چشم سوم خویش را باز میکنند که نیات دیگران را متوجه شوند و البته دیگران نیت آنان را متوجه نشوند! این همان ایده خودخواهانه و متکبرانه شیطان است. آنتوان لاوی موسس فرقه شیطان پرستی ، می گفت که از مال دیگران بردارید ولی اجازه ندهید دیگران مال شما را بردارند! این یک قانون شیطان پرستی است،که مدیتیشن کلا بر این مبنا استوار شده است. بخشش و عفو و گذشت در مدیتیشن وجود ندارد.

روشهای باز کردن چاکرا به صورت دستی یعنی روشی که تمام جوانب و جزئیات سیستم عصبی و روحی روانی انسان را در نظر گرفته است که عملا چنین چیزی در این روشها غیر ممکن است. باز کردن چاکرا بوسیله مدیتیشن یعنی مادی کردن معنویات. فرق نماز و یوگا در همین است که نماز برای ذکر و یاد خداست اما یوگا برای نرمش و باز کردن چاکراها و کسب یک سری حسهای مادی است. در مدیتیشن هورمون سروتونین بیشتر میشود و فرد آرامتر میشود. البته این آرامی به عنوان

آرامش روحی روانی نیست و بلکه یک احساس افراطی و آرامش هورمونی است که بعد از مدتی افراد معتاد آن میشوند. مدیتیشن نوعی دریافت لذت مادی و هورمونی است و یک نوع اعتیاد مدرن است که جامعه بشری دچار آن شده است.

در مدیتیشن ، افراد میخواهند خودشان تنفس را انجام دهند و ضربان خویش را پایین آورند. در حالی که بدن ما طوری ساخته شده است که خودش اتوماتیک عمل تنفس را انجام میدهد و لزومی ندارد که ما سبک آن را تغییر دهیم. تنفسهای عمیق مصنوعی در جهت باز کردن چاکراها، افراد را به خلسه میبرد. منظور از تنفس عمیق، تنفس عمیق حاصل از کار و تلاش و ورزش نیست. در مراحل مدیتیشن، نفس انسان ضعیف میشود و در نتیجه خودآگاهی در پایین ترین سطح قرار دارد و در نتیجه انسان چیزی که خیر است را شر می پندارد و چیزی که شر است را خیر می پندارد. سطوح ذهنی آلفا و تتا، محل جولان شیطان و یک نوع فلق است و پر است از ارتباطات و سرزدنهای شیاطین؛ که قابل اعتماد نیست.

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿۱﴾
بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم (۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿۲﴾
از شر آنچه آفریده (۲)

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾

و از شر تاریکی چون فراگیرد (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾

و از شر دمندگان افسون در گره ها (۴)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

و از شر [هر] حسود آنگاه که حسد ورزد (۵)

دنیای پنهان اجنه یک نوع فَلَق است و ناشناخته و شرّ های زیادی در آن نهفته است. تنظیم صحیح سیستم اعصاب با تنظیم و دخالت در چاکراها بصورت دستی اصلا امکان پذیر نیست. زیرا سیستم عصبی انسان پیچیده تر از آن است که با چند تا حس گرفتن تنظیم شود. خدای مهربان برای تنظیم حالت روحی روانی انسانها همانطور که در سوره العصر فرموده است، راهکار پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، گفتار صبر را پیشنهاد داده است. دخالت در سیستم روانی انسان، از طریق مدیتیشن و یوگا همان کمک گرفتن از دنیای شیاطین و اجنه است.

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾

و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می بردند و بر سرکشی آنها می افزودند (۶)

این که در آیه از کلمه رجال استفاده فرموده است، ثابت میکند که برای دخالت این دو موجود در زندگی همدیگر، نیاز است که جنسیت خویش را نادیده بگیرند. بنابراین فمنیسم و تعصبات جاهلی در مورد زنان و مردان، نوعی مدیتیشن است. زنان در فمنیسم، خود را مستقل از مردان می پندارند و این نوع تفکر نوعی مدیتیشن است و فریب و غروری است از جانب دنیای اجنه و شیاطین. شیطان میخواهد روابط سالم و اصولی مابین زنان و مردان را در جامعه از بین ببرد. طبق نظام رحمانی، مردان باید مرد باشند و زنان باید زن باشند. اما مدیتیشن باعث رواج یافتن فلسفه ای غیر از این بین مردم میشود.

عمل کردن طبق نظام رحمانی با بهترین وجه و بهترین حالت و بهینه ترین حالت، سیستم روانی و عصبی انسان را تنظیم میکند. در نماز انسان باید فقط خدا را ذکر کند و لی در مدیتیشن، انسانها سعی دارند که تنفس و ضربان قلب خود را کنترل کنند و آن را تغییر دهند. مدیتیشن مثل این است که کسی که نماز میخواند ، در فکر اندازه و اصلاح ریش خود باشد و این دو (نماز و مدیتیشن) متضاد هم هستند.

تنفس عمیق، ضربان کمتر که خود نوعی مصنوعی سازی حالات روانی برای رفتن به دنیای اجنه است. تنفس عمیق حاصل از کار و تلاش و کوشش و ورزش سازنده و طبیعی است. اما در مدیتیشن مضر است؛ زیرا هر کسی سیستم عصبی مخصوص

خودش را دارد، همانند اثر انگشت و دی ان آ. هیچوقت با یک روش مدیتیشن نمیتوان یک فرمول کلی برای تنظیم روان و اعصاب انسانها بدست آورد و هیچوقت این روشها حتی یک دهم درصد از نیازهای روانی انسان را جواب نمی دهد. تنها روشی که قطعی است و بوسیله انجام و پایبندی به آن میتوان روان تنظیم شده داشت؛ پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک ، گفتار صبر است. کسانی که وارد مدیتیشن می شوند، از کار و زندگی می افتند، ولی خدای رحمان که ما را آفریده است، تنظیم و آرامش روانی انسانها را در انجام همان کارهای روزانه گذاشته است. خدا شب را آفریده است که انسانها در آن زمان بخوابند و استراحت کنند، روز را گذاشته است تا که کار و تلاش و کوشش کنند، طبیعت را آفریده است تا که در آن سیر کنند و خدا را ستایش و سپاس گویند. نظام رحمانی به تمام معنا سیستم اعصاب انسان را تنظیم میکند. بطور مثال شما اگر چند روز نخوابید، سیستم عصبی شما مشکل پیدا میکند. در آن موقع چه مدیتیشنی میتواند آن را دوباره تنظیم کند؟ هیچ مدیتیشنی قادر به آن نیست. مدیتیشن غیر از ضرر، هیچ فایده دیگری ندارد.

تنظیم دستی چاکراها و سیستم عصبی و روانی یک نوع کلک شرعی است و افراد میخواهند به آن طریق میانبر بزنند و خیال میکنند که میانبر و خللی در نظام رحمانی پیدا کرده اند. یکی هست که دزدی میکند و یا رشوه می گیرد، ولی بعد از دزدی و رشوه برای آرامش فکری خودش و وجدانش، موسیقی آلفایی گوش میدهد تا که به خیال خودش روان گسسته خود را دوباره تنظیم کند. در حالی که این تنظیمات یک

نوع فریب است. تنظیم روان و اعصاب انسان، بوسیله باز کردن چاکراها ، نوعی دستکاری سیستم رحمانی است. بیشتر آهنگهایی که مردم گوش میدهند، برای تنظیم دوباره سیستم روانیشان است ولی آنها نمیدانند که با این روش نمیتوان سیستم اعصاب را تنظیم کرد. چطوری آدمی میتواند بدون داشتن پندار نیک و کردار نیک؛ و جبران کردار بد، حس خوب داشته باشد! انسان گناهکار فقط با توبه و اصلاح خود میتواند به خود حس خوب دهد. حس خوب نتیجه انجام کارها و پندارهای نیک است و هیچوقت بوسیله باز کردن چاکرا بدست نمی آید. فقط و فقط برگشت و توبه و انابه به درگاه خدای عالمیان است که سیستم عصبی روانی انسان را تنظیم میکند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَٰنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾

کسانی که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای شایسته (کردار نیک) کرده اند به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می دهد (۹۶)

آیه بالایی خیلی زیبا می فرماید که کسانی که ایمان آورده (پندار نیک) و کارهای شایسته (کردار نیک) کرده اند به زودی خدای رحمان برای آنان محبتی در دلهایشان قرار می دهد و به آنان آرامش واقعی میدهد. این آیه خیلی زیبا طریقه بدست آوردن آرامش را بیان میدارد. پندار نیک و کردار نیک. بنی اسرائیل شنبه ها تور می انداختند و یکشنبه ها ماهی ها را شکار می کردند. ظاهرا تعطیلی شنبه را رعایت کرده بودند

ولی پندار نیک در این کار نبود. کسانی که گناه میکنند و قصد ندارند که توبه کنند ولی میخواهند سریع و میانبر حس خوب پیدا کنند؛ این افراد سراغ مدیتیشن میروند. البته این روش ، مثل اعتیاد است و به هیچ عنوان آرامش نمی آورد. اعتیاد به مواد مخدر هم اینگونه است.

خدا در آیه (لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى**) صراحتا می فرماید که در حالت آلفا، مستی و مدیتیشن حتی نزدیک نماز هم نشوید. نماز که گل سر سبد کارهای خوب است نباید در آلفا اقامه شود؛ یعنی خدای بزرگ و مقدس می خواهد به ما بگوید که حتی کارهای خوب در آلفا انجام نشود زیرا به فلسفه و ایدئولوژی دنیای اجنه آلوده می شود یعنی به مفاهیمی مانند ریا و غرور و دروغ و حسادت و وحدت وجود و تناسخ و عشق و ... آلوده می شود. هر کار نیکی که خدای رحمان دستور داده باید در خودآگاهی و با پندار نیک کامل (ایمان کامل) انجام گردد نه در توهم و خیالات. طهارت در قرآن به همین معناست. یعنی حتی پندار انسانها میتواند آلوده شود. خدا نمیخواهد که انسانها با انجام مدیتیشن و باز کردن چاکراها، شیاطین را وارد ذهن خویش کنند و پندار خویش را آلوده کنند. تمام گناهان ریشه در پندار آلوده و غیر طاهر دارند. شیاطین و دیوها هر جا وارد شوند و سرک بکشند، پندار آنجا را آلوده میکنند.**

خیلی ها اصرار دارند بگویند که آلفای خوب و آلفای بد داریم. آنها می گویند که چاکراهای ۱و۲ و ۳ بیشتر چاکرای زمینی و چاکرای ۴و۵و۶و۷ چاکرای آسمانی و روحانی است. در حالی که این تقسیم بندی هیچ اساس علمی ندارد. اتفاقا باز کردن

چاکراهای بالاتر خطرناکتر هست. درست است که حالات آلفا را خدا آفریده است. اما خدا موجوداتی مثل شیطان هم آفریده است. بنابراین فرو رفتن در حالت ذهنی آلفا و باز کردن دستی چاکرا مطابق سیستم رحمانی نیست.

در آلفا هیچ کردار نیکی انجام نمی پذیرد زیرا محدوده شیاطین و اجنه است و تشخیص خیر و شر به سختی انجام می پذیرد و ارزش ریسک کردن ندارد. مانند کسی که پرنده ای را در قفس اسیر می کند و سعی می کند که با نگهداری و غذا دادن به پرنده کار خوب انجام بدهد در حالیکه فرد دچار اشتباه شده است و کردار نیک در اصل این است که ما حیوانات را اسیر نکنیم و مزاحم زندگی شان نشویم و بگذاریم آنان زندگی طبیعی خودشان را انجام دهند. در مدیتیشن کارهایی به عنوان نیک معرفی می گردند که ارزش چندانی ندارند. مثلا اینکه تلاش کنید قاشق را با چشمانت خم کنید. اینها کارهای بیهوده ای هستند که دردی را از دنیای ما انسانها دوا نمی کنند و ناشی از کمک گرفتن از یک جن است.

اشتباهی که انجام می گردد این است که انسان خودش می خواهد نیک و شر را برای خودش از نو تعریف نماید، در حالیکه خدای بزرگ این کار را انجام داده و لزومی ندارد ما بیاییم برای دنیای خود ساخته خود شر و نیک را تعریف کنیم. خدا همیشه به ما دستور داده که از راه او پیروی کنیم نه راه دیگری. و اینکه فقط در کتابهای آسمانی شک و تردید نیست و به راه پایدار و درست ما را راهنمایی و هدایت می کند. یکی بود که همیشه روزی یکی دو ساعت در کانالهای اینترنتی و تلویزیونی سر میزد

و خود را مشغول آن میکرد. این هم نوعی مدیتیشن است. بعد از مدتی می گفت که او عاشق همه انسانهاست و همه را دوست دارد! افراد بعد از مدیتیشن قدرت تشخیص حق و باطل را هم از دست میدهند. زیرا آنقدر تناقضات در ذهنشان ایجاد میشود و حل نمیشود؛ که در نهایت تصمیم می گیرند که خود را به بی خیالی بزنند.

بعضی افراد مذهبی هم چشم سوم خاصی را برای خود میسازند و از آن طریق جامعه را می بینند. مثلا یک سَلَفی هر کسی را ببیند، ابتدا بررسی میکند که با چه سبکی ریش گذاشته است! این اولین معیاری است که او دیگران را با آن می بیند و قضاوت اولیه او بر این مبنا استوار است. این نوع مذهبی گری هم جزو دین خدا نیست و نوعی مدیتیشن است. انسانها باید براساس گفتار و کردار طرف مقابل، او را قضاوت کنند و نه براساس پندار خویش. مدیتیشن یعنی براساس پندار آلوده خود جامعه را ببینی. این همان کنترل جامعه توسط اجنه و شیاطین است، زیرا پندار آلوده توسط اجنه و شیاطین دچار آلودگی میشود.

در مدیتیشن و مراقبه و یوگا فرد دچار افراط و تفریط می شود یعنی فردی که مثلا دچار اضطراب شده است سعی می کند با تنفس عمیق و کاهش ضربان قلب و مراقبه سطح انرژی خود را کاهش بدهد و با ترشح هورمون سروتونین به یک سستی و رخوت لحظه ای و موقت برسد. در حالیکه در اصل فرد با کاهش سطح انرژی و دستکاری اجزای فیزیولوژیک بدن، این حالت و حس مادی را به وجود آورده و به محض اینکه از این حالت خارج شود اضطراب بیشتر از قبل به سراغ او می آید و

مجبور است که بازهم بیشتر به خلسه و رخوت مدیتیشن فرو رود و دچار نوعی اعتیاد مدرن می شود. یعنی اعتیاد به کاهش سطوح انرژی فیزیولوژیک به منظور فرار از اضطراب و استرس های دنیای واقعی . دقیقا مانند استفاده از مواد مخدر که به صورت موقتی فرد به رخوت و سستی می رود. در نهایت فرد به حالتی می رسد که باید برای هر کاری ابتدا مدیتیشن کرده و سطح انرژی خود را پایین بیاورد که نوعی اعتیاد می باشد.

مدیتیشن و یوگا هیچ ارتباطی به معنویات ندارند و فقط موجب تغییرات فیزیولوژیک و روانی مصنوعی می شوند. در حالیکه سیستم خدای رحمان کافی است و لزومی ندارد که دستکاری شود. یکی از مضرات مدیتیشن و آلفا این است که چون در محدوده فرکانس شیاطین می باشد ، آنها می توانند فلسفه ها و ایدئولوژی خود را به انسانها القا کنند. فلسفه ها و عرفانهای شرقی سعی دارند سطح انرژی فرد را پایین بیاورند تا اجنه و شیاطین بتوانند ایدئولوژی خود را در وجود انسان توسعه دهند. چه چیزی بهتر از این که فرد این ایدئولوژی و فلسفه را قبول کند و به محض اینکه پندار فرد تغییر کرده و راه نادرست را برود گفتار و کردار نیز به دنبال آن تغییر کرده و منحرف می شود. چه دستاورد بزرگی برای شیطان!

این فلسفه ها و ایدئولوژی هایی که از دنیای اجنه و شیاطین به انسان می رسد نوعی اله هستند، بدترین الهی که انسان می تواند داشته باشد فلسفه و ایدئولوژی شر است. زیرا پندار که فاسد شود به دنبال آن گفتار و کردار نیز فاسد و شر می شود. روزی

در قیامت از انسان می پرسند که الهه هایی که برای خود در نظر گرفته بودید بخوانید و ببینید آیا می توانند شما را نجات دهند در آن حال می فهمیم که دیر شده و جواب انسان این است که خیر. آن موقع دیگر هیچ کاری از دستشان بر نمی آید و هیچ کمکی برای نجات انسان نمیکنند.

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾

بگو کسانی را که به جای او [معبود خود] پنداشتید بخوانید [آنها] نه اختیاری دارند که از شما دفع زیان کنند و نه [آنکه بلایی را از شما] بگردانند (۵۶)

بله در آن لحظه انسان متوجه می شود که هر راهی بجز راه هدایتی که خدا به انسان داده نمی تواند هیچ ضرر و زیانی را از او دور کند و هیچ تغییری نمی تواند در انسان نه در این دنیا و نه در آخرت ایجاد کند.

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾

بگو کسانی را که جز خدا [معبود خود] پنداشته اید بخوانید هموزن ذره ای نه در آسمانها و نه در زمین مالك نیستند و در آن دو شرکتی ندارند و برای وی از میان آنان هیچ پشتیبانی نیست (۲۲)

فقط راه و دین خدا است که باید اطاعت شود نه راه دیگری. پس هرچه سریعتر باید بیدار شد و از عرفانهای شرقی و مفاهیمی مانند مدیتیشن و یوگا دور شد و به خدای عالمیان پناه ببریم و خود را فریب ندهیم. پیش از آنکه روزی بیاید و دیگر کاری از دستمان بر نیاید.